

مطالعه عوامل تاثیرگذار بر تقویت مشارکت اجتماعی

دانشجویان در انجمن‌های علمی دانشجویی

(مورد مطالعه: انجمن‌های علمی دانشگاه فردوسی مشهد)^۱

حسین میرزایی،* مجتبی میرزائی،** توحید علیزاده***

(تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش ۹۸/۰۴/۱۵)

چکیده: انجمن‌های علمی به عنوان نهادی که می‌تواند در تقویت روابط موجود در اجتماع علمی تأثیر قابل توجهی داشته باشد حائز اهمیت است و از این جهت نیازمند مطالعات متعدد در مورد کارکردها، ساختار و شناسایی عوامل موثر بر ارتقاء کارکردهای آن و دستیابی به اهداف است. امری که تحقیق حاضر به نوبه خود در صدد انجام آن است. هدف تحقیق حاضر شناسایی عوامل تاثیرگذار بر تقویت مشارکت اجتماعی دانشجویان در فعالیتهای دانشجویی انجمن‌های علمی است. امری که بدون شک ادامه حیات انجمن‌های علمی در سطح دانشگاه‌ها به آن وابسته است و در صورت غفلت باعث تشریفاتی شدن و حتی حذف انجمن‌های علمی خواهد شد. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی (۹۹۷۷ نفر) در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۱۵۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. نتایج توصیفی نشان از پایین

۱. این مقاله برگرفته از تحقیقی با عنوان "آسیب‌شناسی انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد" با حمایت مالی دانشگاه فردوسی مشهد (با کد ۲/۴۳۴۲۶) می‌باشد

*. هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول). hmirzaei@um.ac.ir

** . دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد.

M.mirzaie1990@mail.um.ac.ir

*** . دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد.

Alizade.1982@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۵۴-۱۶۹

بودن میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان (۴۰٪) در فعالیت‌های انجمن‌های علمی است. اما تمام متغیرهای مستقل تحقیق (اعتماد اجتماعی، کارآمدی انجمن‌های علمی، مزایای عضویت در انجمن‌ها و ارتباط انجمن‌ها با گروه‌های آموزشی) برخلاف متغیر مشارکت از میانگین به نسبت مطلوبی (متوسط رو به بالا) در بین دانشجویان نمونه تحقیق برخوردار بوده‌اند. نتایج مربوط به تحلیل‌های استنباطی تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل تحقیق و مشارکت اجتماعی دانشجویان همبستگی معناداری وجود دارد. در کنار این یافته‌ها، نتایج مربوط به تحلیل مسیر تحقیق نیز نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق، متغیر کارآمدی انجمن‌ها مجوز ورود به مدل تحلیل مسیر را پیدا نکرده است و متغیرهای دیگر نیز در حدود ۲۰٪ از تغییرات مربوط به مشارکت اجتماعی را تبیین نموده‌اند. نتیجه کلی تحقیق بیانگر اینست که مشارکت دانشجویان در انجمن‌های علمی تحت تاثیر منفعتی است که از این مشارکت دریافت می‌کنند. منفعتی آنی و قابل درک برای دانشجویان می‌تواند آن‌ها را متقاعد به شرکت در چنین نهادها و انجمن‌هایی کند. در کنار این امر اعتماد نیز افزایش مشارکت را تقویت می‌کند.

مفاهیم اصلی: مشارکت اجتماعی، انجمن‌های علمی، اعتماد اجتماعی، عضویت در انجمن‌ها.

بیان مسئله

بدون تردید بخشی از روند توسعه در کشور، در ارتباطی تنگاتنگ با مقوله توسعه علم در نظام اجتماع علمی است. اساسا رشد کمی و کیفی علم در معنای عام آن در جامعه، به مثابه زیربنای توسعه در سایر بخش‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند مطرح باشد. تجربه تاریخی کشورهای توسعه‌یافته بیانگر آن است که مقوله علم و نهاد علمی به عنوان کانون مرکزی توسعه علمی، تامین کننده اصلی بستر توسعه یافتگی این جوامع بوده و در برهه‌هایی از تاریخ توسعه این کشورها، مسئولیت جدی را نیز بر عهده داشته است. در این کشورها اساسا فعالیت نهاد‌های علمی با توجه به جایگاه تاثیرگذار آن، پیوسته مورد مطالعه، رصد و سنجش قرار می‌گیرد، تا ضمن بازبینی در روش‌ها و روندهای حاکم در فرایند تولید علم، نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت آن‌ها همواره تحت کنترل باشد. این در حالی است که در کشور ما، علی‌رغم تاکیدات فراوان در بخش‌های متعدد علمی و دانشگاهی، پیرامون توجه به نهاد‌های علمی، مطالعه آن‌ها در کشور بسیار کمتر از عرصه‌های علم پژوهی مورد توجه قرار گرفته و از این منظر، به نظر می‌رسد مطالعه سازمان‌ها و انجمن‌های علمی، به قدر کافی جدی تلقی نشده است.

انجمن‌های علمی، یکی از نهادهایی به حساب می‌آیند که از خاصیت و توانایی بالقوه تولید علم و دانش برخوردارند. به‌طور کلی انجمن علمی سازمانی داوطلبانه است که براساس توافق و مشارکت

داوطلبانه گروهی از افراد که در یک رشته علمی متخصص هستند تشکیل می‌شود. در این تعریف بر داوطلبانه بودن، تخصصی بودن و مشارکت متخصصان تاکید شده است. این ویژگی‌ها جزو خصوصیات ذاتی انجمن‌های علمی محسوب می‌شوند که برای ارتقای علم در سطح دانشگاه‌ها نقش ایفا می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۳).

در کنار انجمن‌های علمی مستقل رسمی و غیررسمی، دولتی و غیردولتی، یکی دیگر از نهادهایی که طی دو دهه اخیر فعالیت جدی به خود گرفته است، انجمن‌های علمی دانشجویی است. این انجمن‌ها از بدو آغاز فعالیت‌شان، به عنوان مرکزی برای پرورش استعدادها، علمی، مدیریتی، تقویت نشاط علمی و اجرای برنامه‌های علمی همسو با آموزش‌های دانشگاهی نقش مهمی را در پیشبرد اهداف علمی ایفاء می‌کنند. به طور مشخص انجمن‌های علمی بخشی از نظام اجتماعی علم هستند و در پیشبرد علم نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ البته باید توجه داشت که، انجمن‌های علمی دانشجویی در ایران ساختار و کارکردهای متفاوتی در مقایسه با انجمن‌های علمی رشته‌ای در سطح جامعه دارند. به نظر می‌رسد انجمن‌های علمی دانشجویی در کنار شوراهای صنفی، کانون‌های فرهنگی-هنری، تشکل‌های سیاسی و گروه‌های فعالیت فوق برنامه، کلیت تشکل‌های دانشجویی را در دانشگاه‌ها به وجود می‌آورند.

انجمن‌های علمی دانشجویی، با اتکا بر نیروی انگیزشی بالای نیروهای جوان خود، سهم جدی در توسعه اهداف دانشگاهی ایفاء می‌کنند و از این زاویه می‌توان برای این انجمن‌ها کارکردهای متعددی را از جمله: ایجاد ارتباط و پیوستگی بین دانشجویان، فارغ التحصیلان و اساتید، ارتقای سطح علمی دانشجویان، شناسایی فرصت‌های شغلی، بهبود مهارت‌ها و غنی کردن توسعه فردی و حرفه‌ای، رعایت حقوق و حمایت از دانشجویان، ارائه تسهیلات و اطلاعات به دانشجویان جدیدالورود، ایجاد انگیزه برای تحصیل، ارتقای تفکر انتقادی، افزایش اعتماد به نفس دانشجویان، تقویت روحیه همکاری و کار گروهی، ارزیابی سطح علمی رشته‌ها؛ ارتباط علمی با سایر دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، توسعه مهارت‌های ارتباطی دانشجویان، تقویت حس سازندگی و کاهش تنش‌های ایجاد شده در اثر وارد شدن در عرصه پر چالش دانشگاه، مد نظر داشت (شارع پور، ۱۳۸۶: ۶۸).

از زاویه دید جامعه‌شناسی علم، کارکرد و ساختار انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه، می‌تواند در سطح نهادهای علمی تأثیرات خود را آشکار سازد. در این زمینه، بررسی دقیق از ساختار هر کدام از این انجمن‌ها و تأثیر آن‌ها از زاویه پیامدی بر نهادهایی نظیر انجمن‌های علمی اساتید، مراکز تحقیق و توسعه، شکل‌گیری گفتمانی علمی در دانشگاه نیازمند مطالعه‌ای موشکافانه است. دانشگاه فردوسی مشهد نیز به عنوان یکی از ده دانشگاه برتر کشور، دارای انجمن‌های علمی دانشجویی متعددی است که همواره به عنوان یکی از اهداف مهم توسعه آموزشی محسوب شده و فعالیت آن‌ها مورد توجه بوده است. تعداد زیاد این انجمن‌های علمی دانشجویی در این دانشگاه، نشان دهنده دغدغه و علاقمندی

مدیران این دانشگاه در جهت توسعه کمی و کیفی این محیط‌هاست. هدفی که اگر به درستی هدایت و مدیریت شود، می‌تواند در توسعه اهداف آموزشی و پژوهشی دانشگاه موثر شوند.

بدیهی است که لازمه حضور مداوم و موثر چنین کارکردی، افزایش مشارکت دانشجویان دانشگاه‌ها در انجمن‌های علمی دانشجویی است و بدون مشارکت آن‌ها تاثیرگذاری انجمن‌ها زیر سوال خواهد رفت. تاثیرات انجمن‌های علمی بر فضای دانشگاهی و دانشجویی فقط در حضور یک مشارکت موثر از سوی دانشجویان قابل دستیابی است. عدم مشارکت دانشجویان در انجمن‌ها بدون شک فلسفه وجودی آن‌ها و دسترسی به اهدافی که از این طریق قابل دستیابی است را زیر سوال می‌برد. در سایه مشارکت دانشجویان به‌مثابه هسته اصلی دانشگاه‌ها و نهادها و انجمن‌های دانشجویی است که می‌توان تاثیر مثبت از آن را بر محیط دانشگاهی متصور شد. از این رو تمام اهداف و وظایف انجمن‌های علمی در زیر چتر مشارکت دانشجویان قابل اجرا و دستیابی است. لذا توجه به امر مشارکت دانشجویان در کنار پرورش و توسعه انجمن‌های علمی و نهادهای دانشجویی دانشگاهی ضرورتی است که غفلت از آن پیامدهای منفی خواهد داشت. به همین منظور و به دلیل درجه بالایی از اهمیت انجمن‌های علمی دانشجویی و تعامل دانشجویان با این نهاد علمی، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سوالات است که میزان مشارکت دانشجویان کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد در انجمن‌های علمی دانشجویی تا چه میزان است؟ و چه عواملی بر میزان موفقیت انجمن‌های علمی و افزایش مشارکت دانشجویان در این نهاد موثرند؟

چارچوب نظری

به طور کلی فعالیت‌های انجمن‌های علمی در ایران به سه دوره تقسیم می‌شود. در دوره اول (۱۳۱۰-۱۳۱۴) فعالیت‌های انجمن‌های علمی در ایران بسیار محدود بود و در این دوران فقط انجمن‌های فنی و مهندسی فعالیت داشتند. در دوره دوم (۱۳۴۰-۱۳۷۰) انجمن‌های علمی تحت حمایت وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفت و فعالیت‌های آنان گسترش یافت. آگاهی از نقش انجمن‌ها در پیش‌برد علم از علل توجه آن وزارتخانه به انجمن‌های علمی بود. در دوره سوم فعالیت انجمن‌های علمی (۱۳۷۰ تاکنون) نقش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با صدور مجوز به انجمن‌های غیرپزشکی برجسته‌تر گردید (قدیمی، ۱۳۸۳). در اساسنامه مصوب انجمن‌های علمی ایران (۱۳۷۰) در دوره سوم فعالیت‌ها، هدف از تشکیل انجمن‌های علمی گسترش، پیش‌برد و ارتقای علمی و توسعه کیفی و کمی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی، پژوهشی و تخصصی در زمینه فعالیت هر انجمنی ذکر شده است^۱. به‌علاوه این‌که تاکید زیادی نیز بر مشارکت فعال

۱. اساسنامه تصویب شده در تاریخ ۷ مهر ۱۳۷۰

دانشجویان در آیین نامه انجمن‌های علمی صورت گرفته است. چرا که در نتیجه مشارکت است که حضور انجمن‌های علمی معنادار می‌شود و قدرت تاثیرگذاری بر امور مربوطه را از همین طریق پیدا خواهد کرد. اما با توجه به روشن‌سازی اهداف انجمن‌های علمی در اساسنامه و آیین نامه‌ها، دستیابی به این اهداف در سال‌های گذشته با موانع زیادی مواجه شده است و مسیر و حرکت انجمن‌های علمی با اهداف مورد نظر فاصله زیادی دارد. مسیری که ممکن است در سال‌های آتی به انحصاری شدن انجمن‌های علمی توسط عده‌ای کم بیانجامد و تاثیرگذاری آن را به‌منزله نهادی علمی تا پایین‌ترین درجه کاهش دهد. به همین دلیل افزایش مشارکت دانشجویان در این انجمن‌ها کلید موثر و واقعی برای بقا و دوام آن‌هاست.

از طرفی دیگر دوران دانشجویی، فرصتی برای جامعه‌پذیری است که با همانندسازی دانشجو با الگوها و هنجارهای اجتماعی، تحقق می‌یابد و زمینه‌ساز بالندگی یا انحراف او می‌شود و این در قالب یک مشارکت اجتماعی مثبت یا گاه منفی شکل می‌گیرد. اما در نهادهای فرهنگی دانشجویان و به ویژه انجمن‌های علمی، به دلیل وجود ساختار صحیح و کارکردهای مشخص و درست، اغلب مشارکت‌ها مثبت و مطلوب است (دلبری و رضانی، ۱۳۹۴: ۵۶).

فراهم ساختن ساختارها و سازوکارهای لازم برای ایجاد و افزایش مشارکت فعال در دانشجویان به آن‌ها این فرصت را می‌دهد که مسئولیت طرح‌ها و برنامه‌های متعددی را به دست گرفته، نقش فعالی را در میدان دانشگاه و حتی میدان‌های وسیع‌تر ایفا کنند. همچنین موجبات انسجام بخشی، هویت بخشی گروهی، پرورش شخصیت و سازگاری با محیط اجتماعی را فراهم می‌آورد. از این رو با توجه به نتایج مثبت این موضوع توجه به امر توسعه مشارکت دانشجویان در نهادها و انجمن‌های علمی می‌تواند شرایط برای ایجاد، تداوم و کیفی‌سازی مشارکت و پویایی محیط دانشگاهی را به وجود آورده و متقابلاً هم باعث پیشرفت دانشجویان و هم توسعه دانشگاه گردد. تاثیر و اهمیت به سزای این موضوع، ضرورت مطالعه و بررسی در این حوزه را توجیه می‌سازد.

در خصوص مشارکت اجتماعی تعاریف و نظریات متنوع و مختلفی ارائه شده است اما آنچه این تحقیق به دنبال آنست ارائه تعریفی مختصر و به دور از اضافه‌گویی و پراکنده‌گویی است.

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به‌صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص، که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد تعریف کرد. نمود این مشارکت وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۵). از آنجایی که هدف تحقیق تمرکز بر مشارکت اجتماعی در نهاد دانشگاهی و علمی انجمن‌های علمی است به نظریات مربوط به این زمینه خواهیم پرداخت. نظریات پیرامون این موضوع در چارچوب جامعه‌شناسی علم مطرح شده که در طی دوره‌های متفاوت مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در همین زمینه مرتون در

دو دوره متفاوت به ارائه نظریاتی در این زمینه اهتمام داشته است. در اولین دوره، وی علم را به مثابه نهادی اجتماعی که از نظر تاریخی در معرض تحولات متعدد است مد نظر قرار داده است. این دوره توأم با کاری تاریخی است که در آن نتایج غیرارادی پیوریتانیسم در ایجاد انگیزه میان دانشمندان ابتدای قرن هفدهم بررسی می‌شود. در دومین دوره، وی به دنبال کشف سازوکارهای درونی علم است. در این دوره وی ایده هنجارهای ساختاری علم را مطرح می‌کند (شارع پور و فاضلی، ۱۳۸۶: ۱۹). آنچه از نظریات مرتون در دوره دوم قابل احصاء است این‌که در نظر مرتون، نهادی شدن و پیشرفت علم به رشد تعداد متخصصان و پژوهندگان علم، افزایش کنش متقابل بین دانشمندان و ساخت یافتگی کنش‌ها، مشارکت فعال اشخاص مستعد و علاقمند در فعالیت‌های علمی، وجود شرایط فرهنگی متناسب، نهادی شدن نظارت هنجاری در علم و تعامل نظام اجتماعی علم با بقیه نهادهای اجتماعی نیاز دارد. به علاوه وی به نقش مورد تقدیر قرار گرفتن و شهرت (مزایا) در نظام اجتماعی علم نیز توجه داشته است (کزازی، ۱۳۸۳: ۳۸). طرح این ایده‌ها نشان از اهمیت بحث مشارکت افراد در فعالیت‌های علمی و وجود تعاملات در بین قسمت‌های مختلف و همچنین وجود مزایای مرتبط با کار علمی دارد.

هگستروم^۱ همانند مرتون^۲ ولی بر اساس سازوکاری دیگر، چگونگی ایجاد نظم را در نهاد علم تبیین می‌کند. برخلاف جریان غالب در اندیشه مرتون که بر هنجارهای انتزاعی برای تبیین سازوکارهای علم تاکید می‌کند، هگستروم علم را به مثابه کنش متقابل جمعی درک می‌کند. هگستروم با ذکر این عبارت که «من به دنبال درک کنترل اجتماعی در اجتماع علمی و کشف تاثیرات اجتماعی‌ای که هم‌نوایی با هنجارها و ارزش‌های علمی را تبیین می‌کنند هستیم» نشان می‌دهد که وجود هنجارها را پیش فرض نگرفته و در بهترین حالت به دنبال تبیینی برای شکل-گیری آن‌هاست (فاضلی، ۱۳۸۰). بنابراین مطابق آنچه مطرح شد آنچه یک نهاد علمی را به صورت منظم، منسجم و کارآمد تبدیل می‌کند مشارکت اجتماعی بین اجزای مختلف نهاد و یا به عبارتی کنش متقابل جمعی اعضای آن است.

اما آنچه که مسلم و روشن است این نکته است که مشارکت اجتماعی به خودی خودی شکل نخواهد گرفت و در این مسیر عوامل متفاوتی تاثیرگذارند و کم و کیف آن را دچار تغییر می‌کنند. پاتنام در این زمینه اشاره می‌کند که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود (جاج^۳، ۲۰۰۳). به باور پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده و بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده و پیدایش اعتماد

-
1. Hagestrom
 2. Merton
 3. Judg

اجتماعی را ترغیب می‌کند و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق کنش جمعی را ممکن می‌سازد (علی‌پور، زاهدی و شیانی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). گامبتا^۱ نیز معتقد است که هر چه اعتماد بیشتر باشد همکاری بین افراد نیز بیشتر خواهد بود. البته بسته به این که شرایط برقراری روابط اعتماد آمیز فراهم باشد (گامبتا، ۲۰۰۰: ۲۲۰).

پیشینه تجربی

به طور کلی، در سطح تحقیقات تجربی در حوزه انجمن‌های علمی دانشجویی کار شاخصی صورت نگرفته است. تنها تحقیق شاخص در این زمینه، تحقیق شارع پور و فاضلی (۱۳۸۵) در رابطه با انجمن‌های علمی در ایران می‌باشد. این تحقیق نیز در سطح کلی به بررسی جامعه‌شناختی و کارکردی انجمن‌های علمی پرداخته است اما توجه جدی و مستقیمی به انجمن‌های علمی دانشجویی نداشته است. با این حال با تسامح می‌توان کار تقی آزاد ارمکی (۱۳۷۸) در رابطه با جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران، کار تحقیقی فرامرز رفیع‌پور (۱۳۸۱) تحت عنوان موانع توسعه علمی در کشور و راه‌حل‌های آن، جامعه‌شناسی در ایران تالیف عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۷۵) و همچنین تحقیق فراستخواه و قانع‌راد (۱۳۸۶) تحت عنوان بررسی نقش انجمن‌های علمی و دانشگاهیان در سیاست‌گذاری و ارزیابی نظام علمی کشور را به عنوان پشتوانه غیرمستقیم ادبیات تجربی تحقیق حاضر مورد عنایت قرار داد.

فرضیه‌ها

۱. بین مزایای عضویت در انجمن علمی و مشارکت دانشجویان در آن رابطه وجود دارد.
۲. بین کارآمدی انجمن علمی با مشارکت دانشجویان در آن رابطه وجود دارد.
۳. بین ارتباط انجمن علمی و اعضای گروه آموزشی و مشارکت دانشجویان در آن رابطه وجود دارد.
۴. بین اعتماد دانشگاهی دانشجویان و مشارکت آن‌ها در انجمن علمی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است و به لحاظ این که امکان استفاده از نتایج آن توسط مسئولین وجود دارد از نوع کاربردی محسوب می‌شود. جمعیت آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه فردوسی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۷ در مقاطع تحصیلی کارشناسی می‌باشد. جمعیت آماری موضوع مطالعه دارای ۹۹۷۷ نفر دانشجوی در مقطع تحصیلی کارشناسی می‌باشد که از این بین با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ۱۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده

1. Gambetta

است که به دلیل مخدوش بودن یک مورد، پرسش‌نامه‌ها به ۱۴۹ مورد کاهش یافت. در ابتدا تعداد دانشجویان هر دانشکده مشخص و تلاش گردید نمونه مورد نظر به تناسب بین دانشکده‌ها توزیع گردد. در جدول ۱ تعداد دانشجویان و نمونه مربوط به دانشکده‌ها آورده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی حجم نمونه تحقیق

ردیف	دانشکده	تعداد	نمونه	ردیف	دانشکده	تعداد	نمونه
۱	ادبیات	۱۳۶۰	۲۰	۷	اقتصاد	۱۱۴۸	۱۵
۲	مهندسی	۲۵۲۰	۳۳	۸	علوم	۷۵۵	۱۲
۳	منابع طبیعی	۳۷۶	۱۰	۹	تربیت بدنی	۲۲۲	۱۰
۴	معماری	۳۴۴	۱۰	۱۰	الهیات	۶۷۹	۱۰
۵	کشاورزی	۱۰۵۳	۱۵	جمع کل			
۶	روانشناسی	۱۱۰۴	۱۴				

بررسی اعتبار و روایی اندازه‌گیری تحقیق

اعتبار ابزار تحقیق با روش صوری^۱ و از طریق مراجعه به صاحب‌نظران مربوطه حاصل شده است. برای محاسبه روایی گویه‌های تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. در این تحقیق برای سنجش میزان مشارکت دانشجویان از ۷ گویه، برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی از ۵ گویه، برای سنجش کارآمدی انجمن‌های علمی از ۷ گویه، برای سنجش میزان مزایای عضویت در انجمن‌ها از ۸ گویه و در نهایت برای اندازه‌گیری میزان ارتباط انجمن‌ها با اعضای گروه آموزشی مربوطه از ۵ گویه استفاده شده است. نتایج مربوط به آلفای کرونباخ جهت محاسبه روایی گویه‌ها نشان از تناسب گویه‌ها جهت اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق داشته و در تمام متغیرها، آلفای کرونباخ، بالاتر از ۰/۷ مشاهده شده است (جدول شماره ۲).

جدول ۲: نتایج آزمون آلفای کرونباخ

متغیرها	آلفای کرونباخ	تعداد کل گویه
مشارکت اجتماعی	۰/۸۳۹	۷
اعتماد اجتماعی	۰/۷۰۶	۵
کارآمدی انجمن‌های علمی	۰/۹۲۵	۷
مزایای عضویت در انجمن‌ها	۰/۸۸۱	۸
ارتباط انجمن‌ها و گروه‌های آموزشی	۰/۷۹۷	۵

1. Face validity

تعاریف مفهومی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته این تحقیق مشارکت اجتماعی است. واژه مشارکت از حیث لغوی با همدیگر عمل کردن، بر عهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن و عمل متقابل اجتماعی در یک گروه است. در مورد معنای اصطلاحی آن نیز تعاریف مختلفی وجود دارد که در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست. با پذیرش این معانی تعریف زیر از مشارکت اجتماعی قابل ارائه است: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (احمدی و توکلی، ۱۳۸۸: ۷۷). به عبارتی مشارکت اجتماعی فرایندی است که در آن افراد در تصمیم‌گیری در مورد نهادها، برنامه‌ها و محیط‌هایی که بر آن‌ها تاثیر می‌گذارند شرکت می‌کنند (سیکوگنانی و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۹۸).

اعتماد اجتماعی

اعتماد به عنوان عنصری اساسی در ایجاد نظم اجتماعی، اغلب به منزله عاملی موثر بر عملکرد سازمانی، توسعه اقتصادی و توسعه کنش‌های گروهی معرفی می‌شود (گلایو و همکاران^۲، ۲۰۰۱۲: ۲۰۹). این مفهوم در فرآیند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماعی با همدیگر تبلور پیدا می‌کند. گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا صحت گفته‌ای تعریف می‌کند (عباس‌زاده و میرزائی، ۱۳۹۳: ۲۱۲).

مزایای عضویت در انجمن

منظور از این متغیر انتظار منفعت و سودی است که دانشجو از عضویت در انجمن‌های علمی دانشجویی دارد و در صورت عضویت و مشارکت در این انجمن‌ها از آن‌ها منتفع می‌شود.

ارتباط انجمن و اعضای گروه آموزشی

در این تحقیق منظور میزان ارتباط و همکاری اعضای گروه آموزشی از جمله اساتید و کارشناسان گروه مرتبط با انجمن علمی دانشجویی ذیربط می‌باشد.

کارآمدی انجمن

منظور از این متغیر میزان دستیابی انجمن‌های علمی مورد مطالعه به اهداف و وظایف شان از نگاه جمعیت مورد مطالعه است.

1. Cicognani & et.al

2. Gleave & et.al

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

براساس نتایج، میانگین سنی نمونه تحقیق ۱۹/۷۵ و دامنه سنی دانشجویان کارشناسی ۱۸ تا ۲۷ سال بوده است. ۴۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان را مرد و ۵۹/۶ درصد را نیز زنان تشکیل داده‌اند. به لحاظ حجم نمونه دانشکده‌ها، دانشکده مهندسی و ادبیات بیشترین حجم نمونه تحقیق را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد گویه‌ها	میانگین خام	میانگین درصدی
مشارکت اجتماعی	۷	۲۱/۲۹	۴۰/۸۲
اعتماد اجتماعی	۵	۱۹/۵۳	۵۸/۱۲
کارآمدی انجمن‌های علمی	۷	۲۷/۲۲	۵۷/۷۷
مزایای عضویت در انجمن‌ها	۸	۳۴/۷۱	۶۶/۷۷
ارتباط انجمن‌ها و گروه‌های آموزشی	۵	۱۹/۹۷	۵۹/۸۸

در تحقیق حاضر جهت اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از تعدادی گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای یا طیف لیکرت شش قسمتی خیلی زیاد، زیاد، تا حدی زیاد، تا حدی کم، کم و خیلی کم استفاده شده است. مطابق جدول شماره ۳ میزان مشارکت دانشجویان کارشناسی در فعالیت‌های انجمن‌های علمی ۴۰/۸ درصد می‌باشد. میزانی که کمتر از حد متوسط می‌باشد و بیانگر مشارکت پایین دانشجویان در فعالیت‌های انجمن علمی است. اما برخلاف این متغیر (متغیر وابسته تحقیق) سایر متغیرهای تحقیق شرایط مطلوبی به لحاظ میانگینی دارا هستند. متغیر اعتماد اجتماعی دانشجویان متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. همچنین کارآمدی انجمن‌های علمی به صورت متوسط رو به بالا ارزیابی شده است از این رو دانشجویان معتقدند انجمن‌های علمی در دستیابی به اهداف خود تا حدی موفق بوده است. متغیر مزایای عضویت در انجمن‌های علمی نیز شرایط مطلوبی دارد بدین صورت که از میانگین این متغیر در بین دانشجویان می‌توان چنین استنباط نمود که دانشجویان معتقدند در صورت همکاری با انجمن‌های علمی مزایای زیادی به دانشجویان خواهد رسید. میانگین متغیر ارتباط انجمن‌ها و گروه‌های آموزشی نیز در حد مطلوبی قرار دارد و دانشجویان ارتباط بین این دو را مطلوب ارزیابی نموده‌اند.

نتایج تحلیل همبستگی متغیر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان و متغیرهای مستقل در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرها	مشارکت	کارآمدی انجمن	مزایای انجمن‌ها	ارتباط انجمن‌ها و گروه‌های آموزشی	اعتماد اجتماعی
مشارکت	۱				
کارآمدی انجمن	۰/۲۲۵**	۱			
مزایای انجمن‌ها	۰/۳۷۱**	۰/۳۵۶**	۱		
ارتباط انجمن‌ها و گروه‌های آموزشی	۰/۲۹۵**	۰/۴۴۹**	۰/۲۲۲**	۱	
اعتماد اجتماعی	۰/۱۹۸*	۰/۱۰۰	۰/۲۰۹*	۰/۱۸۸*	۱

نتایج تحلیل همبستگی بین متغیرهای تحقیق نشان داد که:

۱. بین میزان کارآمدی انجمن‌های علمی و مشارکت دانشجویان همبستگی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. بدین صورت که با افزایش کارایی انجمن‌های علمی، مشارکت دانشجویان نیز در فعالیتهای انجمن‌ها افزایش خواهد یافت.
 ۲. بین میزان مزایایی که عضویت در انجمن‌ها برای دانشجویان فراهم می‌کند و میزان مشارکت آن‌ها در فعالیتهای انجمن‌ها همبستگی مثبت و قوی معناداری وجود دارد. بنابراین با افزایش مزایای عضویت نیز می‌توان مشارکت دانشجویان را افزایش داد.
 ۳. در طرف دیگر نیز نتایج نشان داد که به مراتب افزایش در ارتباط بین انجمن‌ها و گروه‌های مربوطه شرایط مشارکت دانشجویان در انجمن‌ها مناسب‌تر خواهد شد. بنابراین آگاهی اساتید و مدیران گروه از این امر و تقویت ارتباطشان با انجمن‌ها می‌تواند در راستای افزایش مشارکت عمل کند.
 ۴. اعتماد اجتماعی نیز ارتباط مثبت معنی‌داری با مشارکت اجتماعی دارد. لذا تقویت این امر نیز می‌تواند در تقویت مشارکت دانشجویان در فعالیتهای انجمن‌های علمی موثر باشد.
- نتایج آزمون T-Test نشان داد که بین میزان مشارکت دختران و پسران دانشجو در فعالیتهای انجمن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی متغیر جنسیت در تعیین میزان مشارکت دانشجویان در فعالیتهای انجمن‌های علمی موثر می‌باشد. نتایج آزمون نشان داد که میانگین پسران دانشجو در متغیر مشارکت اجتماعی به صورت معناداری بیشتر از دختران دانشجو است.

جدول ۵: نتایج آزمون تی تست دو نمونه ای برای ارزیابی میانگین مشارکت اجتماعی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
مرد	۶۱	۲۳/۲۵	۷/۹۴۷۲۳	۱/۰۳۴۶۴	۲/۸۷۶	۰/۰۰۵
زن	۸۸	۱۹/۹۱	۶/۰۰۸۲۶	۰/۶۴۷۸۹		

همچنین نتایج آزمون تی تست مربوط به سایر متغیرها تفاوت معناداری را در بین میانگین‌های دو جنس نشان نداد. اما با این وجود قابل ذکر است که در تمام متغیرها میانگین متغیرها به سمت دانشجویان پسر بوده است. به عبارتی به صورت ضمنی می‌توان اشاره کرد که مقدار این متغیرها در تفاوت میزان متغیر مشارکت بین دو جنس تاثیر گذار بوده است.

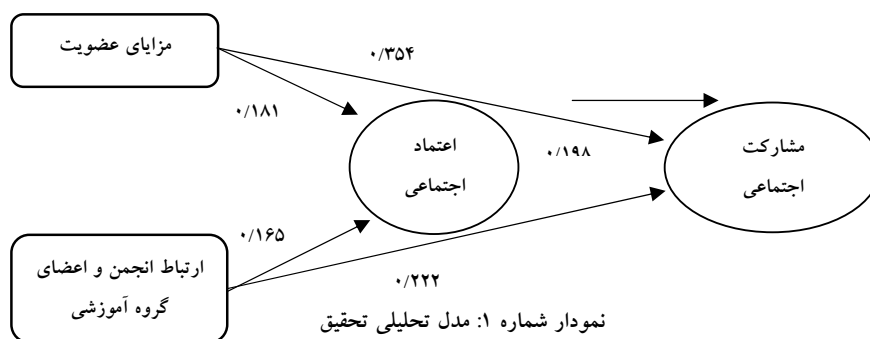
در نهایت نیز به بررسی میزان تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مدل تحلیلی تحقیق پرداخته شده و برای درک بهتر جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶: تاثیرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته

میزان تبیین شده	اثرات کل	اثرات غیر-مستقیم	اثرات مستقیم	متغیرهای مستقل
۰/۱۹۶	۰/۵۳۵	۰/۱۸۱*	۰/۳۵۴**	مزایای انجمن‌ها
	۰/۳۸۷	۰/۱۶۵*	۰/۲۲۲**	ارتباط انجمن‌ها و گروه‌های آموزشی
	۰/۱۹۸	-	۰/۱۹۸**	اعتماد اجتماعی

نتیجه تحلیل مسیر صورت گرفته نشان می‌دهد؛ متغیر مزایای انجمن‌ها به صورت مستقیم با ضریب ۰/۳۵ بر متغیر وابسته و از طریق سازه اعتماد اجتماعی با ضریب ۰/۱۸ و در کل نیز حدود ۰/۵۳ واحد بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تاثیر گذاشته است. نتایج همچنین بیانگر تاثیر مستقیم با ضریب ۰/۲۲ متغیر ارتباط انجمن‌ها با گروه‌های آموزشی مرتبط و تاثیر غیرمستقیم ۰/۱۶ واحدی از طریق سازه اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دارد. در کل نیز متغیر ارتباط انجمن‌ها با گروه‌های آموزشی ۰/۳۸ واحد بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تاثیر گذاشته است. متغیر اعتماد اجتماعی نیز بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان به صورت مستقیم تاثیرگذاری معناداری داشته است که این تاثیر گذاری با ضریب حدوداً ۰/۱۹ بوده است.

اما نتایج همچنین بیانگر عدم تاثیرگذاری معنادار متغیر کارآمدی انجمن چه به صورت مستقیم چه غیرمستقیم بر متغیر مشارکت اجتماعی بوده است به عبارتی کارآمدی انجمن‌ها بر میزان مشارکت دانشجویان تاثیر گذار نبوده و همچنین از طریق سازه اعتماد اجتماعی نیز نتوانسته تاثیرگذاری معناداری داشته باشد بنابراین از مدل نهایی تحقیق حذف خواهد شد.



بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر درصدد بررسی میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های انجمن‌های علمی دانشگاه فردوسی مشهد بود. در سال‌های اخیر انجمن‌های علمی با مشکلات زیادی از جمله عدم مشارکت و عدم موفقیت در عضوگیری مواجه بوده‌اند، امری که بدون شک در دست‌یابی این نهاد موثر در دانشگاه به اهدافش تأثیرات منفی خواهد گذاشت. بنابراین عدم توجه به این مسائل نیز در گسترش این مشکلات در سطح نهادهای علمی دیگر که مستلزم مشارکت دانشجویان می‌باشد تأثیر گذار خواهد بود. مشارکت دانشجویان در انجمن‌های علمی و نهادهای دانشگاهی شبیه به آن، می‌تواند در شناسایی نقش و موقعیت دانشجویان در دانشگاه موثر واقع شود؛ به دانشجویان و به خصوص دانشجویان کارشناسی که در حال تجربه محیطی جدید هستند اعتماد به نفس داده و حس مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها ایجاد و تقویت نماید؛ اداره امور دانشجویی را راحت‌تر و کارآمدتر می‌سازد و مشارکت دانشجویان را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها افزایش خواهد داد. لذا توجه به کاهش مشارکت دانشجویی در سطح نهادهای علمی تحقیقات بیشتری را می‌طلبد تا از این طریق در جهت رفع مشکلات اساسی به صورت علمی اقداماتی صورت گیرد. تحقیق حاضر نیز در همین راستا گام برمی‌دارد.

براساس نتایج، میزان مشارکت دانشجویان در امور مربوط به انجمن‌ها پایین و حدود ۴۰ درصد می‌باشد به عبارتی ۶۰ درصد ظرفیت خالی و توان بالقوه در این رابطه وجود دارد که به فعل نرسیده است. در کنار این متغیر به عنوان متغیر وابسته تحقیق، به عواملی دیگری که بر میزان مشارکت دانشجویان در انجمن‌ها تأثیرگذار است پرداخته شد. این متغیرها عبارتند از: اعتماد اجتماعی، کارآمدی انجمن‌های علمی، مزایای عضویت در انجمن‌ها و ارتباط انجمن‌ها با گروه‌های آموزشی. تمام متغیرهای مستقل تحقیق برخلاف متغیر مشارکت از میانگین به نسبت مطلوبی (متوسط رو به بالا) در بین دانشجویان نمونه تحقیق برخوردار بوده‌اند.

نتایج مربوط به تحلیل‌های استنباطی تحقیق نشان می‌دهد که اختلاف معنادار بین میزان مشارکت دانشجویان کارشناسی دختر و پسر وجود دارد. اختلافی که می‌تواند ناشی از بستر اجتماعی فرهنگی جامعه باشد. محیط جدیدی که در نتیجه ورود دانشجویان به دانشگاه برای آن‌ها ایجاد می‌شود به دلیل محدودیت‌های فرهنگی تاثیر بیشتری بر دختران دانشجو می‌گذارد به این صورت که حضور آن‌ها در نهادهای علمی را نسبت به پسران دانشجو که از این حیث فشار کمتری احساس می‌کنند تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا می‌توان با شناسایی این محدودیت‌ها و فشارها و حذف یا کاهش حساسیت نسبت به آن‌ها، میزان مشارکت دختران دانشجو را افزایش داد. نتایج مربوط به میزان مشارکت دانشجویان به تفکیک دانشکده نیز تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد لذا میزان مشارکت دانشجویان در دانشکده‌ها وضعیت مشابهی دارد.

اما نتایج مربوط به آزمون‌های همبستگی نشان داد که بین متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر مشارکت اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. این امر بیانگر آن است که در سطح همبستگی می‌توان این نتیجه را گرفت که با تغییر در هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق تغییراتی در سطح متغیر وابسته تحقیق نیز مشاهده خواهد شد. این رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته به صورت یک همبستگی مثبت و مستقیم معنادار می‌باشد. اما آنچه که مشخص است عدم توانایی آماره‌های همبستگی در تعیین میزان اثرات است، به همین دلیل از تحلیل مسیر جهت بررسی اثرات متغیرهای مستقل تحقیق بر میزان مشارکت دانشجویان استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل نشان داد که بیشترین تاثیرگذاری را در کل متغیر مزایای عضویت در انجمن‌های علمی بر میزان مشارکت دانشجویان گذاشته است و بعد از آن نیز متغیر ارتباط انجمن‌ها با گروه‌های آموزشی و سپس متغیر اعتماد اجتماعی به ترتیب از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار بوده‌اند. این متغیرها که در مدل تحلیل مسیری تحقیق باقی ماندند حدود ۲۰ درصد از تغییرات مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی را تحلیل نمودند. اما نکته قابل توجه در مدل تحلیل مسیری تحقیق حاضر، عدم تاثیرگذاری متغیر میزان کارآمدی انجمن‌ها بر میزان مشارکت دانشجویان می‌باشد. به عبارتی، این که انجمنی از کارآمدی بالایی برخوردار باشد نمی‌تواند تضمین کننده حضور فعال دانشجویان در این نهاد باشد و نیاز به حضور سایر عوامل دارد. این امر را نیز می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که تصمیم دانشجویان برای مشارکت در انجمن‌های علمی بیشتر کنشی منفعت طلبانه و سودنگر است. بدین صورت که آن‌ها از مشارکت در انجمن‌های علمی توقع منفعتی آئی دارند. کما این که مزایای عضویت در انجمن‌ها آن‌ها را جذب به مشارکت نموده و همچنین ارتباط انجمن با گروه‌های آموزشی نیز از سوی دیگری برای دانشجویان انگیزه‌های برای مشارکت و همکاری فراهم می‌سازد انگیزه‌های چون معرفی خود به عنوان دانشجویی فعال، جلب نظر اساتید و حتی در مواردی تاثیر مثبت بر

نمرات کلاسی و امتحانی آن‌ها. منفعتی که شاید دانشجویان در یک انجمن کارآمد نمی‌توانند به صورت واضح درک نمایند.

در نهایت به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که برای داشتن محیطی فعال در دانشگاه‌ها و نهادهای علمی مربوطه نیازمند عضویت و مشارکت فعال دانشجویی می‌باشیم، چرا که بدون فعالیت دانشجویان موجودیت این نهادها و همچنین اهداف آن‌ها زیر سوال خواهد رفت. از اینرو نیازمند نوعی آسیب‌شناسی نسبت به عدم مشارکت اکثریت دانشجویان دانشگاه‌ها در این زمینه هستیم که تحقیق حاضر به نوعی قدم اولیه را در این راستا برداشته است. شناسایی عوامل موثر بر مشارکت دانشجویان می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مسئولین دانشگاهی در این حوزه کمک‌کننده باشد.

بنابراین با توجه به نتایج مطالعه حاضر افزایش مزیت‌های عضویت در انجمن‌های علمی دانشگاهی، اطلاع‌رسانی این مزایا و برجسته‌سازی آن‌ها و همچنین بهبود و تقویت ارتباط بین انجمن‌های علمی و گروه‌های آموزشی مرتبط با هر انجمن و فراهم کردن شرایط برای ایجاد ارتباط بین اعضای انجمن‌ها و اساتید می‌تواند در سطح مشارکت دانشجویان در این نهاد علمی موثر باشد. در این عوامل هم‌چنین می‌توان به اعتماد اجتماعی دانشجویان به اساتید و مسئولان دانشگاهی و حتی اعتماد بین دانشجویی نیز اشاره داشت. بدین صورت که با افزایش اعتماد اجتماعی دانشجویان یا به عبارتی با افزایش و تقویت اعتماد دانشگاهی دانشجویان شرایط برای مشارکت آن‌ها در نهادهای علمی و دانشگاهی بیشتر فراهم می‌شود. براساس این یافته ضروری است که تلاش‌های بیشتری از سوی مسئولان دانشگاهی در جهت تقویت اعتماد دانشجویان و پشتیبانی از موفقیت‌ها و حتی عدم موفقیت‌های آنان صورت گیرد این موضوع یقیناً در مشارکت بیشتر دانشجویان موثر خواهد بود.

از آنجا که امروزه در غالب رشته‌ها نسبت دانشجویان دختر بیش از پسران است و یافته این تحقیق که مشارکت کمتر دختران را نشان می‌دهد ضروری است اقدامات موثرتری از جمله بیان مزایای این انجمن‌ها و افزایش کارآمدی آن‌ها و همچنین تلاش در جهت استفاده از توان بالقوه استفاده نشده اعضای هیات علمی در این انجمن‌ها و حتی افزایش سهم اعضای هیات علمی زنان صورت گیرد. قطعاً این‌گونه اقدامات رغبت بیشتری را سبب خواهد شد.

منابع

- احمدی، اصغر و توکلی، محمود (۱۳۸۸)، بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در ادارهٔ بهینه امور شهری، *نشریه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۲، صص ۹۰-۷۳.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۳-۳۱.

- اساسنامه نمونه کمیسیون انجمن‌های علمی ایران (۱۳۷۰)، وزارت علوم تحقیقات و فناوری. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران*، تهران: نشر کلمه.
- دلبری، سیدمهدی و رمضانی، ولی الله (۱۳۹۴)، مطالعه عوامل موثر بر ایجاد انگیزه و پویایی در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، *مهندسی فرهنگی*، سال نهم، شماره ۸۴، صص ۶۳-۴۲.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱)، *موانع رشد علمی در ایران و راه‌حل‌های آن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شارع پور، محمود و فاضلی، محمد (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی علم و انجمن‌های علمی در ایران*، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- عباس زاده، محمد و میرزائی، مجتبی (۱۳۹۳)، نقش دین در توسعه شبکه اعتماد اجتماعی دانشجویان، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، شماره ۲، صص ۲۲۴-۱۹۹.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه ترویج و توسعه علم و اخلاق علمی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۴۷-۶۱.
- علی پور، پروین و زاهدی، محمد جواد و شبانی، ملیحه (۱۳۸۸)، اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۵.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۰)، *بررسی پایان نامه‌های جامعه‌شناسی انقلاب از دیدگاه جامعه‌شناسی علم*، تهران: تربیت مدرس.
- فراستخواه، مقصود و قانعی راد، محمد امین (۱۳۸۶)، بررسی نقش انجمن‌های علمی و دانشگاهیان در سیاستگذاری و ارزیابی نظام علمی کشور، *نشریه رهیافت*، شماره ۴۱، صص ۴-۱۲.
- قدیمی، اکرم (۱۳۸۳)، ساختار و عملکرد انجمن‌های علمی ایران، *نشریه رهیافت*، شماره ۳۲.
- کزازی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، *بررسی نقش و عملکرد انجمن‌های علمی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مهدی، علی اکبر و لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی در ایران*، تهران: نشر توسعه.
- Cicognani, E., Pirini, C., Keyes, C., Joshanloo, M., Rostami, R., & Nosratabadi, M. (2008). Social participation, sense of community and social well being: A study on American, Italian and Iranian university students. *Social Indicators Research*, 89(1), 97-112.
- Gambetta, D. (2000). "Can We Trust Trust?", in Gambetta, Diego (ed.) *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Electronic Edition, Department of Sociology, University of Oxford, Chapter 13: 213-237, <http://www.sociology.ox.ac.uk/papers>.
- Gleave, E., Robbins, B., & Kolko, B. (2012). *Trust in Uzbekistan*. *International Political Science Review*, 33(2), 209-229.
- Judge, R. (2003), "The difference that Gender makes" *Social Capital, gender and Political Participation*, Eyewitness Robert. University of Manitoba.